



دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

عنوان:

تأثیر جمعیت علمای اسلام پاکستان بر گروه طالبان در افغانستان (۱۹۹۴-)

(۲۰۱۰)

نگارش:

علی صادق اکبری

ارائه شده:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

استاد راهنما:

دکتر وحید سینایی

استاد مشاور:

دکتر سیدمحمدعلی تقوی

تابستان ۱۳۹۱

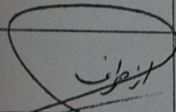
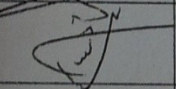
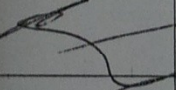
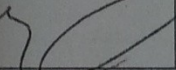
پایان نامه حاضر تحت عنوان: تأثیر جمعیت علمای اسلام پاکستان بر گروه طالبان در افغانستان (۲۰۱۰-۱۹۹۴)
 توسط علی صادق اکبری دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده، مورد تأیید کمیته تحصیلات تکمیلی
 گروه می باشد.

مدیر گروه علوم سیاسی: محمدجواد رنجکش

تاریخ دفاع ۹۱/۷/۴ نمره: ۱۸/۴ درجه ارزشیابی: عالی

مردود	قابل قبول	خوب	بسیار خوب	عالی
کمتر از ۱۲	۱۲-۱۴	۱۳-۱۶	۱۶-۱۸	۱۸-۲۰

اعضاء هیأت داوران:

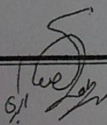
ردیف	نام و نام خانوادگی	هیأت داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱	وحید سینایی	استاد راهنما	استاد یار	
۲	سید محمد علی تقوی	استاد مشاور	استاد یار	
۳	احمد محقر	استاد مدعو و نماینده تحصیلات تکمیلی	استاد یار	
۴	سید حسین اطهری	استاد مدعو	استاد یار	

تعهدنامه

اینجانب علی حسینی پوری دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی علوم اقتصادی دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده پایان نامه تأثیر شهرت علمی بر کیفیت پذیرش پایان نامه (فصلنامه فصلنامه، ۱۳۹۹، شماره ۱) تحت راهنمایی دکتر سید سید علی حسینی پوری متعهد می شوم:

- تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه فردوسی مشهد » و یا « Ferdowsi University of Mashhad » به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تاثیر گذار بوده اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (یا بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

امضای دانشجو



مالکیت نتایج و حق نشر

کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه های رایانه ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.

استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی باشد

متن این صفحه نیز باید در ابتدای نسخه های تکثیر شده وجود داشته باشد ..

تقدیم به:

پدر بزرگوارم که در دوران تحصیل از من حمایت همه جانبه کرد. موفقیتی اگر نصیب

من گردیده، بخش مهم آن حاصل حمایت های بی دریغ پدرم بوده است. و تقدیم

به همسر عزیزم. تشویق های بی سائبه او بی شک همیشه قوت قلب من بود.

این پژوهش در قالب رساله کارشناسی ارشد علوم سیاسی توسط نگارنده در گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد انجام یافت. با توجه به عدم موجودیت پژوهش قبلی در این حوزه و کمبود منابع، رساله حاضر ممکن است داری کمی و کاستی باشد. هدف نویسنده ارائه چارچوب جدید علمی جهت شناسایی تأثیر جمعیت علمای اسلام بر طالبان نیست اما تلاش صورت گرفته است تا آغازگر مسیری باشد برای محققانی که می‌خواهند در این حوزه پژوهش انجام دهند.

در تهیه و تنظیم این اثر اساتید محترم راهنما و مشاور نقش مهمی داشتند. بر خود لازم می‌بینم تا از اساتید محترم راهنما و مشاورم، جناب آقای دکتر وحید سنایی و دکتر سید محمد علی تقوی پاسکذاری بنامیم. همچنین از ریاست محترم گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد دکتر رنجکش و دیگر اساتید محترم گروه که به اندوخته‌های علمی ام افزودند تشکر می‌نمایم.

علی صادق اکبری

چکیده

ظهور طالبان در سال ۱۹۹۴ در افغانستان یکی از پدیده های مهم در تاریخ معاصر افغانستان است. طالبان اعلام کرد به دنبال ایجاد نظام مبتنی بر شریعت، سنت و پاکسازی کشور از حاکمان محلی خودکامه و ایجاد نظم و ثبات در افغانستان است. این گروه با توجه به این اهداف توانست مناطق زیادی را در مدت کوتاه تصرف کند و در کابل امارت اسلامی ایجاد کند. عوامل مختلفی در شکل-گیری سازمان‌یابی و قدرتمند شدن این گروه نقش داشته است. یکی از گروه‌های رادیکال اسلامی پاکستان یعنی جمعیت علمای اسلام، در شکل‌گیری، اندیشه، مواضع و اقدامات طالبان در افغانستان تأثیر گذاشته است. در جریان سالهای جهاد افغانستان علیه شوروی بیش از یک میلیون نفر به پاکستان مهاجرت کردند. مهاجرین که نسبت به مدارس دولتی بد بین بودند، فرزندان شان را به مدارس دینی فرستادند که تحت نظر جمعیت علمای اسلام و گروه‌های جهادی افغان اداره می‌گردید. جمعیت علمای اسلام با استفاده از امکانات مالی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مدارس زیادی ایجاد کرد. اندیشه اعضای طالبان در این مدارس شکل گرفت. اقدامات گروه طالبان در قبال اقلیت‌های مذهبی، متأثر از اندیشه های افراطی دیوبندی است. جمعیت علمای اسلام نماینده جنبش دیوبندی در پاکستان است. قوانین سخت گیرانه مذهبی که مناطق تحت کنترل طالبان اجرا شد در تاریخ افغانستان سابقه نداشت. اکثر اعضای بلند رتبه این گروه در مدارس دینی جمعیت علمای اسلام در پاکستان درس خوانده اند.

کلید واژگان

طالبان، جمعیت علمای اسلام، افغانستان، پاکستان.

فهرست موضوعات

فصل اول: کلیات طرح	۹
مقدمه	۱۰
۱-۱- بیان مسأله و تبیین موضوع	۱۰
۲-۱- اهداف تحقیق	۱۲
۳-۱- سابقه مطالعات و تحقیق انجام گرفته	۱۲
۴-۱- سؤال اصلی	۱۵
۵-۱- سئوالات فرعی	۱۵
۶-۱- فرضیه تحقیق	۱۵
۷-۱- متغیرها	۱۵
۸-۱- مفاهیم	۱۷
۹-۱- روش تحقیق	۱۸
۱۰-۱- روش جمع آوری داده ها	۲۰
۱۱-۱- سازماندهی تحقیق	۲۰
فصل دوم: طالبان از ظهور تا سقوط	۲۱
مقدمه	۲۲
۱- نقش علما در تحولات سیاسی معاصر افغانستان	۲۳
۲- گرایش های مذهبی در افغانستان	۲۷
۱-۲- ظهور طالبان	۳۰
۱-۱-۲- عوامل داخلی	۳۰
۲-۳-۲- بی ثباتی و عدم موفقیت سران مجاهدین در تشکیل دولت فراگیر و ملی	۳۰
۱-۱-۲- تنشهای قومی و موجودیت طالبان	۳۳
۱-۱-۳- کمکهای دولت ربانی	۳۶
۲-۴- عوامل خارجی مؤثر در ظهور طالبان	۳۹
۲-۴-۱- پاکستان	۴۰

۴۵ عربستان ۲-۴-۲
۴۷ تشکیل امارت اسلامی افغانستان در کابل ۳-۲
۵۱ ساختار امارت اسلامی افغانستان ۱-۵-۲
۵۳ روابط خارجی ۲-۶-۲
۵۸ رابطه طالبان با القاعده ۳-۶-۲
۶۰ ترور احمد شاه مسعود ۴-۶-۲
۶۳ حملات یازدهم سپتامبر و اشغال افغانستان ۵-۶-۲
۶۵ سقوط طالبان ۶-۶-۲
۶۸ جمع بندی
۷۰ فصل سوم: جمعیت علمای اسلام
۷۱ مقدمه
۷۱ ۱-۳ شکل گیری
۷۱ ۲-۳ سیر تحول جمعیت علمای اسلام در پاکستان
۸۰ ۳-۳ اندیشه
۸۵ ۴-۳ ساختار تشکیلاتی
۸۹ ۵-۳ مدارس جمعیت علمای اسلام
۹۲ جمع بندی
۹۳ فصل چهارم: تأثیر جمعیت علمای اسلام بر طالبان
۹۴ مقدمه
۹۵ ۱-۴ تأثیر مدارس و آموزش های مذهبی جمعیت علمای اسلام در شکل گیری اندیشه طالبان
۱۰۶ ۲-۴ مواضع
۱۰۹ ۲-۲-۴ چگونگی اداره جامعه
۱۱۰ ۳-۲-۴ شریعت
۱۱۴ ۴-۲-۴ مواجهه با شیعیان
۱۱۵ ۳-۴ اقدامات
۱۱۹ ۵-۴ ارتباط گروه های منشعب شده از جمعیت علمای اسلام با طالبان

۱۲۲..... جمع بندی

۱۲۴..... نتیجه گیری

۱۲۹..... فهرست منابع

فصل اول

کلیات طرح

مقدمه

در اوایل دهه پایانی قرن بیستم گروهی در جنوب غرب افغانستان ظهور کرد. این گروه متشکل از طالبان مدارس دینی، مدعی رفع بی عدالتی و هرج و مرج در کشور بودند. طالبان افرادی بودند که در مدارس دینی در خاک افغانستان و پاکستان درس خوانده بودند. این مدارس از طریق جمع آوری وجوهات شرعی، کمک های خارج و داخل پاکستان و همچنین دولت پاکستان اداره می شد. مدارس دینی در خاک پاکستان تحت نظر جمعیت علمای اسلام فعالیت می کردند. علی رغم کمک های چشمگیر دولت پاکستان به این مدارس، اکثر مدارس در جبهه گیری های سیاسی مستقل عمل می کردند. طالبان با حمایت های داخلی و خارجی تا سال ۱۳۸۰ خورشیدی توانست با تصرف حدود ۹۰ درصد خاک افغانستان، در کابل امارت اسلامی ایجاد کند. امارت اسلامی افغانستان از قندهار بوسیله ملاعمر: امیر امارت اداره می شد. طالبان رادیکال ترین گروه مذهبی است که در تاریخ معاصر افغانستان در صحنه سیاسی پدیدار شده است. این گروه دولت را بر اساس شریعت محمدی بنا کرد و قوانینی را به اجرا گذاشت که از عربستان هم سخت گیرانه تر بود. با توجه به نبود سابقه و پیشینه ای از گروه های قدرتمند بنیادگرا در جامعه افغانستان، این سؤال مطرح می شود، چه اندیشه ای بر افکار سیاسی طالبان در افغانستان اثر گذاشته و یا طالبان از آن الگو پذیرفته است؟

۱-۱- بیان مسأله و تبیین موضوع

یکی از گروه های مهمی که بر طالبان اثر گذارده، گروه بنیاد گرای جمعیت علمای اسلام در پاکستان است. این حزب قبل از تشکیل کشور پاکستان، در سال ۱۹۴۳ در هند تاسیس شد. در آغاز قرن بیستم نهضت های آزادی خواهی و ملی گرایی در شبه قاره هند رو به گسترش بود. نخبگان مسلمان هندی در این فکر بودند که در صورت استقلال هند از بریتانیا، جامعه اسلامی در کنار جامعه هندو که

اکثریت جامعه هند را تشکیل می‌داد، به گونه کامل از آزادی‌های مذهبی سیاسی برخوردار خواهد شد، اما در پی تحولات سیاسی، حزب کنگره هند قدرت بیشتری پیدا کرد. قدرت گرفتن حزب کنگره، نخبگان مسلمان هند را نگران ساخت و از این رو جلسه‌های متعددی برای مقابله با گرایش‌های ملی‌گرایانه حزب کنگره، در هند تشکیل شد. سابقه تشکیل جلسه علمای سنی هند به سال ۱۹۲۴ در شهر «مرادآباد» هند باز می‌گردد. دومین نشست سراسری علمای سنی هند در سال ۱۹۳۵ در شهر «بداون» هند تشکیل شد که در آن از تشکیل کشور پاکستان به گونه رسمی حمایت شد. بعد از آن که کشور مستقل پاکستان ایجاد شد، رهبران جمعیت در گردهمایی بزرگی در مدرسه «انوارالعلوم» شهر «ملتان» تشکیلات سراسری علمای سنی هند را منحل و جمعیت علمای اسلام را تأسیس کردند. تا سال ۱۹۴۹ فعالیت‌های این حزب بیشتر در امور مذهبی و حقوقی محدود بود تا آنکه «مولانا مفتی محمود» در سال ۱۹۵۶ جلسه‌ای در ملتان تشکیل داد و موجودیت حزب را به رهبری مولانا احمد علی رسماً اعلام نمود.

جمعیت علمای اسلام از نظر فکری و اعتقادی وابسته به مکتب دیوبندی است. دیوبندی‌ها پایه‌گذار مدرسه دارالعلوم دیوبند هستند. این حزب یکی از مهمترین احزاب بنیادگرای اسلامی در پاکستان است که همیشه موضع‌گیری‌های رادیکال مذهبی در قبال مسائل روز کشور و جهان داشته است. جهاد در مقابل "کفر و حکومت‌های دست‌نشانده" یکی از اصول مهم اعتقادی این گروه به شمار می‌رود. بر همین اساس گروه‌های شبه نظامی که از این حزب منشعب شده‌اند به حملات مسلحانه علیه دولت پاکستان، افغانستان و نیروهای ناتو دست می‌زنند. از جمله این گروه‌ها می‌توان به «لشکر طیبه»، «سازمان حرکت المجاهدین»، «لشکر جهنگوی»، «سپاه صحابه»، «تحریک نفاذ شریعت محمدی» و «تحریک طالبان پاکستان» اشاره نمود.

جمعیت علمای اسلام پاکستان در طول دوران جهاد به مجاهدین افغانستان کمک‌های آموزشی ارائه می‌کرد. این حزب هزاران مدرسه دینی را در مناطق «سرحد»، «لاهور» و «پنجاب» اداره می‌کند. بعد از دوران جهاد و ظهور طالبان که اعضای آن اکثراً در مدارس دینی در افغانستان و پاکستان درس خوانده بودند، این حزب به همکاری خود با طالبان ادامه داد. تعدادی زیادی از طلبه‌های مدارس جمعیت علمای اسلام در جریان جنگ‌های داخلی، به منظور کمک به جبهه‌های جنگ وارد افغانستان شدند و با طالبان علیه نیروهای مخالف جنگیدند. تحصیل اعضا و رهبران طالبان در مدارس این گروه به قرابت‌های ایدئولوژیک و سازمانی این گروه و هماهنگی در اقدامات و اهداف آن‌ها منجر شده است.

۱-۲- اهداف تحقیق

گروه طالبان در افغانستان طی مدتی کمی توانست مناطقی زیادی را در افغانستان تصرف کند و در کابل امارت اسلامی تشکیل دهد. این گروه سخت‌گیرانه‌ترین قوانین شرعی را به اجرا گذاشت که در نوع خود در تاریخ سیاسی افغانستان نظیر نداشت. شناسایی ریشه‌های فکری این گروه و عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری اندیشه و موضع‌گیری‌های که از این تأثیرپذیری ناشی شده نکات مهمی است که انتظار می‌رود با انجام این تحقیق آشکار گردد.

۱-۳- سابقه مطالعات و تحقیق انجام گرفته

در مورد گروه طالبان و ارتباط آن با جمعیت علمای اسلام پاکستان تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته و پایان‌نامه‌ای در ارتباط با این موضوع نوشته نشده است. اما در برخی کتاب‌ها به این موضوع اشاره شده است.

اکثر کسانی که در مورد ارتباط طالبان و جمعیت علمای اسلام پاکستان مطالبی نوشته‌اند، پاکستانی‌اند. از بین این افراد احمد رشید خبرنگار پاکستانی در کتاب «اسلام، نفت و بازی بزرگ نو در آسیای میانه» به ارتباط اندیشه‌های طالبان با جمعیت علمای اسلام پاکستان پرداخته است. او همچنین به دیدگاه دولت آمریکا در مورد گروه طالبان اشاره کرده و معتقد است که آمریکا در اوایل متمایل بود که طالبان تمامی خاک افغانستان را امن سازد تا کمپانی‌های آمریکایی بتوانند با توافق با طالبان اقدام به انتقال منابع انرژی آسیای میانه کند.

از نویسندگان پاکستانی «مولوی حفیظ الله حقانی» که فارغ التحصیل مدارس حقانی است و مانند طالبان در این مدارس درس خوانده است، در کتاب «از خواب ملا تا امارت مؤمنین»، نحوه شکل‌گیری ایدئولوژی و اندیشه طالبان را بررسی کرده است. وی به روابط طالبان با جمعیت علمای اسلام نیز اشاره کرده و در این زمینه مطالبی معتبری ارائه کرده است. این کتاب به مناسبت اولین سالگرد تصرف شهر کابل توسط طالبان در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است. «محمد اکرم عارفی» در کتاب «جنبش اسلامی پاکستان» به شکل‌گیری گروه‌های اسلامی پاکستان پرداخته و در ذیل آن به جمعیت علمای اسلام پاکستان و ارتباط آن با طالبان اشاره کرده است. عارفی در این کتاب به عوامل مؤثر در عدم شکل‌گیری جنبش اسلامی در پاکستان پرداخته است. تمرکز نویسنده این کتاب بیشتر بر فعالیت‌های جنبش‌های اسلامی در پاکستان است و بخشی از این کتاب به رابطه طالبان با جمعیت علمای اسلام اختصاص داده شده است. کتاب «افغانستان، طالبان و سیاست‌های جهانی» که به کوشش ویلیام میلی چاپ شده، شکل‌گیری و اندیشه طالبان را بررسی کرده است. این کتاب متشکل از مقالات متنوع است که توسط نویسندگان مختلف در رابطه با طالبان نشر گردیده است. «آنتونی دیونز» در مقاله‌ای تحت عنوان «نحوه شکل‌گیری طالبان به عنوان یک نیروی نظامی» به نحوه شکل‌گیری طالبان پرداخته و توضیح داده که چگونه این گروه به یک قدرتمند گردید. بیشتر مطالب این کتاب

مربوط به عملکرد گروه طالبان در قبال زنان و روابط خارجی این گروه با نهاد های بین‌المللی است. در مورد اندیشه‌ها، اقدامات و عملکرد طالبان، کتاب «مجموعه قوانین ملا عمر» نیز منتشر شده است. این کتاب راجع به فرامین ملا عمر است که در موارد مهم چون مردم‌داری و حکومتداری صادره شده و به صورت کتاب درآمده است. این کتاب صرفاً به دیدگاه های مذهبی و سیاسی طالبان در امور داخلی و خارجی پرداخته است.

«مولوی وکیل احمد متوکل» وزیر خارجه طالبان که بازوی راست ملا عمر در قندهار محسوب می‌شد، در کتاب «طالبان و پاکستان» به طالبان و شرایط تحصیل آنان در مدارس جمعیت علمای پاکستان و همچنین نحوه سازماندهی این افراد در مدارس پرداخته است. «پیتر ماردزن» در کتاب «طالبان» به تبیین اندیشه ایدئولوژی طالبان پرداخته است. به نظر او ارتباطی بین اخوان‌المسلمین و طالبان نیز وجود داشته است در عین حال او به تأثیر جمعیت علمای اسلام بر طالبان نیز اشاره کرده است. بیشتر مطالب این کتاب به ارتباط ایدئولوژیک اخوان‌المسلمین و گروه طالبان اختصاص دارد و کمتر به تأثیر جمعیت علمای اسلام بر گروه طالبان در افغانستان پرداخته است.

«وحید بینیش» در کتاب «افغانستان و چالش سامان سیاسی» به عوامل مهم در عدم شکل‌گیری نظام باثبات در افغانستان پرداخته است. او در این کتاب درباره نقش گروه‌های اسلامی پاکستان در ایجاد بی‌ثباتی و ارتباط آنان با طالبان نکاتی نگاشته است.

«وحید مژده» نویسنده و کارشناس مسائل سیاسی افغانستان در کتاب خویش تحت عنوان «افغانستان و پنج سال سلطه طالبان» نحوه شکل‌گیری، ساختار تشکیلاتی و اقدامات طالبان را بررسی کرده است. وی که یکی از کارمندان وزارت خارجه در زمان طالبان بوده است، نحوه برخورد این گروه با سازمان‌های امدادی، کشورهای خارجی و اختلافات داخلی را بررسی کرده است. منابع مذکور از زوایای مختلف عملکرد گروه طالبان در قبال حقوق بشر، زنان و جامعه جهانی را بررسی کرده است.

اندیشه‌ها و مواضع گروه طالبان در مورد مسائل ملی و بین‌المللی در کتاب‌های ذکر شده واکاوی شده اما به طور مشخص، هیچ کدام از این کتاب‌ها به تأثیر جمعیت علمای اسلام بر شکل‌گیری اندیشه، مواضع و اقدامات گروه طالبان پرداخته‌اند.

۱-۴- سؤال اصلی

جمعیت علمای اسلام پاکستان چگونه و در چه زمینه‌هایی بر گروه طالبان در افغانستان تأثیر داشته است؟

۱-۵- سئوالات فرعی

۱- چه عواملی باعث ظهور طالبان گردید؟

۲- تنش‌های قومی چه نقشی در ظهور طالبان داشته است؟

۱-۶- فرضیه تحقیق

جمعیت علمای اسلام پاکستان از طریق مدارس دینی و آموزش‌های مذهبی بر شکل‌گیری اندیشه، مواضع و اقدامات طالبان در افغانستان تأثیر داشته است.

۱-۷- متغیرها

متغیر مستقل: جمعیت علمای اسلام

متغیر وابسته: گروه طالبان

۱-۸- مفاهیم

جمعیت علمای اسلام: حزب بنیادگرای اسلامی در پاکستان است که قبل از تشکیل پاکستان در هند توسط جمعی از علمای مسلمان هندی به منظور مقابله با حزب کنگره هند و هماهنگ کردن فعالیت های مسلمانان هند در صورت استقلال این کشور از بریتانیا ایجاد شد. بعد از تشکیل کشور پاکستان این حزب به داخل کشور پاکستان انتقال پیدا کرد.

طالبان: گروه بنیادگرای اسلامی در افغانستان است که عمدتاً از طالبان مدارس دینی تشکیل یافته اند. این گروه در سال ۱۳۷۳ در جنوب افغانستان ظهور کرد و در مدت کوتاهی توانست مناطق زیادی را در کنترل خود در آورد. در سال ۱۳۷۵ امارت اسلامی را در کابل ایجاد کرد و به دنبال آن قوانین سختگیرانه مذهبی را به اجرا گذاشت. این سخت گیری ها در اجرای شریعت موجب انزوای سیاسی طالبان گردید و اکثر کشورهای دنیا از شناختن این گروه به عنوان دولت قانونی افغانستان اجتناب کردند.

آموزش های مذهبی: دروسی دینی است که محور آن چگونگی اجرا و تبلیغ شریعت است. این دروس در چهارچوب فقه کلام به دانش آموزان تدریس می گردد.

مدارس: مراکز دینی است که توسط دولت و یا مردم ایجاد می شود و در آن دروسی دینی به دانش آموزان ارائه می گردد. بیشتر این مدارس به واسطه کمک های مردمی و وجوهات شرعی اداره می شود.

بنیادگرایی: تعریف های گوناگونی از واژه بنیاد گرا صورت گرفته است. به همین دلیل ارائه یک تعریف معین که بتواند معنی دقیق این واژه را در بر داشته باشد مشکل است، با این وجود واژه مفید

و قابل استفاده ای است که اندیشمندان از آن برای تبیین عملکرد و اندیشه جنبش های مختلف استفاده کرده است. بنیادگرایی یک طیف گسترده از اعمال است. در درجه نخست بنیاد گرایی برگشت به اصل چیز ها است. منظور از بنیاد گرایی، اشاره به گروه های است که به دلایلی ، با فرآیندهای حاکم بر شرایط روز مخالفت می کنند و با ارجاع به بنیادهای اصلی دین خود، نوعی جامعه ایده آل ذهنی ترسیم می کنند و وضعیت موجود را به دلیل عدم تطابق آن با جامعه ایده آل به نقد میکشند. گرایش به بنیادگرایی در کشورهای سنتی تر که تجربه حکومت های دینی هم نداشته اند بیشتر از کشورهای است که به دنیای مدرن، وارد شده و تجربه حکومت دینی را هم از سر گذرانده اند. الیویه روآ از بنیاد گرایی به عنوان محصول طبیعی جوامع اسلامی و جریانی منتزع از کشاکشها و تنازعات درونی جوامع اسلامی یاد کرده و می نویسد: « بنیاد گرایی در واقع حرکتی اعتراضی بوده است بر ضد حکام منحرف و خائن، آنانی که اصول اسلام، قرآن و حدیث را به فراموشی سپرده و بدین ترتیب مانع تطبیق شریعت شده اند(روآ، ۱۳۶۹: ۲۶).

بنیادگرایی در پیوند با شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی اقتصادی پیرامون دچار دگرذیسی شد که از آن به نام (بنیاد گرایی نوین) یاد می شود. در این مدل از بنیادگرایی، پروژه تغییر انقلابی - ایدئولوژیک جامعه جای خود را به تقاضای نفاذ شریعت اسلامی و اسلامی ساختن روابط اجتماعی داده است، بنیادگرایان اصلاح زندگی و عادات روزمره را هدف قرار می دهند. همچنین آنان علاوه بر امر و نهی های سطحی و مخالفت با تجدید فکر اسلامی و اجتهاد، با تکنولوژی مدرن از موضعی دشمنانه برخورد می کنند. به نظر جف هینس : از نظر بنیادگرایان تنها راه حل موجود، همانا بازگشت به سرچشمه نخستین شریعت - قرآن و سنت - و نیز دست کشیدن از فقهی است که مدت ها است به واسطه دخالت انسان و منافع سیاسی گسترده او از مسیر اصلی خود منحرف شده است(جف هینس و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

اسلامگرایی: اسلامگرایی نمایانگر نوعی از بنیادگرایی اسلامی است که مدعی ایجاد جامعه اسلامی است نه به واسطه اعمال شریعت بلکه در وهله نخست خواهان ایجاد دولت اسلامی از طریق عمل سیاسی است. اسلامیت ها اسلام را فقط به عنوان مذهب نمی شناسد بلکه یک ایدئولوژی سیاسی می دانند که باید در تمام شئون جامعه (سیاست، قانون، اقتصاد، عدالت اجتماعی، سیاست خارجی..) مورد استفاده قرار گیرد. آن ها ایده اسلام سنتی را که در برگیرنده تمام مذاهب اسلامی است به جامعه مدرن پیچیده تسری داده اند. در حقیقت مدرن سازی جامعه بواسطه مدرن سازی آموزش، تکنولوژی و سیاست امکان پذیر است. این اسلامگرایان در مقایسه با علمای سنتی مدرن ترند (Roy, 2002:14).

۹-۱- روش تحقیق

روش این تحقیق توصیفی - تبیینی و بر اساس مطالعه عمقی منابع و تبیین روابط همبسته بین جمعیت علمای اسلام و گروه طالبان می باشد.

تبیین تأثیر گذاری دو گروه بیشتر ماهیت تحقیق توصیفی را دارد. از این رو تلاش شده است تا تأثیرگذاری جمعیت علمای اسلام بر طالبان با توضیح دادن مصادیق تأثیر گذاری مورد بررسی قرار گیرد. تأثیرگذاری اندیشه جمعیت علمای اسلام بر گروه طالبان با برجسته ساختن و توصیف همانندی های اندیشه، اهداف، شعارها و مواضع دو طرف نشان داده شده است. در محور اقدامات کنش های مشخص دو گروه در قبال همدیگر بررسی شده است. برای توضیح اقدامات این دو گروه در قبال همدیگر، استفاده از نماد های دینی - مذهبی مشترک و تحت تأثیر قرار گرفتن دو طرف از کنش های همدیگر به عنوان مصداق های این تأثیر گذاری بررسی شده است. کنش به معنی عملی

است که در آن معنی مشخصی مورد نظر فاعل باشد. کنش ممکن است فردی باشد، مخاطب دیگر نداشته باشد و یا جمعی باشد. در این صورت این کنش معطوف به دیگری است. از کنش جمعی به نام کنش اجتماعی نیز یاد می‌گردد که بین افراد جامعه انجام می‌شود. کنش اجتماعی کنشی است که افراد از طریق آن با دیگران به گونه ذهنی کنش برقرار می‌کند (ویر، ۱۳۶۷: ۱۳۰). به عبارت دیگر، انسانها در زمان انجام دادن یک کنش، می‌کوشند تأثیر کنش‌شان را بر کنشگران درگیر دیگر، سبک و سنگین کند. انسانها در فراگرد کنش اجتماعی، به گونه ای نمادین معنایی را به دیگران انتقال می‌دهند. دیگران این نمادها را تفسیر می‌کنند و بر پایه تفسیرشان از این نمادها واکنش نشان میدهند. کنشگران حین کنش اجتماعی، در فراگردی از نفوذ متقابل قرار می‌گیرند (ریتز، ۱۳۷۴: ۲۸۶). در کنش اجتماعی نمادها تعیین‌کننده اند. ساده‌ترین تعریف که از نماد می‌توان کرد این است که جایگزین شدن چیزی بجای چیز دیگر و یا به عبارت دیگر چیزی که جای چیزی را می‌گیرد و بر آن دلالت می‌کند (روشه، ۱۳۶۷: ۹۴). انسانها به خاطر وجود نمادها در برابر واقعیتی که خود را نشان می‌دهد انفعالی عمل نمی‌کند بلکه جهانی را که در آن عمل می‌کند فعالانه ایجاد و باز ایجاد می‌کند (ویر، ۱۳۶۷: ۶۲). احزاب سیاسی با استفاده از این نمادها بآستگی همبستگی اعضاء خود را حفظ کنند و هواداری جدیدی جلب نمایند. رهبران احزاب سیاسی به این وجه نمادی توجه بسیاری مبذول می‌دارند مثل یافتن شعارهایی که برنامه حزب را نشان دهد. نهضت‌های که خصوصیت ایدئولوژیک دارند برای القاء همبستگی به اعضاء خود و ابراز وجود از نمادهای بسیار مثل پرچم، نشان یا فرم مخصوص، علامات سیاسی و شعارها استفاده می‌کنند (روشه، ۱۳۷۴: ۱۰۴) گروه‌های مذهبی از نمادهای مذهبی برای پیوستن به نظم ایده‌آل استفاده میکنند. نماد‌گرایی مذهبی کمک می‌کند تا مؤمنین از غیر مؤمنین و مکان مقدس از غیر مقدس متمایز شوند. زندگی مذهبی به خودی خود در همه جا فعالیتی اجتماعی است و همبستگی جمعی در آن نقش اساسی ایفا می‌کند و این